



ها در حالی بود که با عزیزانش هر روز ارتباط تلفنی داشت چهار نویسنده نامه از غلامحسین محسنی اژه‌ای می‌پرسند اگر آن شرایط مستمر عاطفی و تخلیه روانی ادامه می‌یافت آیا امروز شاهد یتیم بودن فرزندان او بودیم؟ ... و آیا حوادثی از این دست در راه نیستند؟ سایت کلمه نیز در گزارشی از وضع زندان رجایی شهر و فشارهایی که در این زندان بر زندانیان وارد می‌آید می‌نویسد به طور متوسط ماهی ۱۵ تا ۱۰ زندانی از گروه‌های مختلف به دلایل گوناگون جان خود را از دست می‌دهند. به نوشته این

عادی وجود دارد، حدود یک سال و نیم است که برای زندانیان سیاسی قطع شده است. با پیگیری‌هایی که توسط این زندانیان و خانواده‌های آنان در مورد این محدودیت، یا به نوشته آنان شکنجه روانی، انجام شد مسئولان گاه در پرده و گاه آشکارا علت این تصمیم را استفاده یک دو نفر از زندانیان از تلفن برای خواندن بیانیه یا انتقال مطالب سیاسی اعلام کرده‌اند.

نویسندگان این

این فشارها در یک سال گذشته خبر داده‌اند که به نوشته آنان یکی از مهم‌ترین قطع ارتباط‌های تلفنی زندانیان سیاسی در مدت یک سال و چند ماه گذشته بوده است. آنان در این نامه مرگ منصور رادپور، هم‌بند چهل و پنج ساله خود را حادثه ای پیش

در حالی که خبرگزاری‌های داخل ایران از مرگ هفت زندانی سیاسی در مدت یک هفته در زندان رجایی شهر کرج خبر داده‌اند، پیش از آن متوسط مرگ زندانیان

## مرگ‌های خاموش در زندان رجایی شهر

سایت این فشارها بر زندانیان سیاسی به مراتب بیشتر است. به نوشته این سایت، نداشتن ملاقات‌های منظم با خانواده، که فاصله آن بین دو هفته تا یک ماه است، نداشتن ارتباط تلفنی، هواخوری به صورت نوشتی و فقط روزی دو ساعت که عامل بروز بیماری‌های پوستی، عصبی،

بقیه در صفحه ۱۴

نویسند به گواهی‌بهداری زندان در پی قطع ارتباط‌های تلفنی زندانیان سیاسی، میزان استفاده این زندانیان از قرص‌های آرام‌بخش اعصاب و روان چندین برابر افزایش یافته و از ۱۰ درصد در یک سال و نیم پیش به ۴۰ درصد رسیده است. این نویسندگان مرگ منصور رادپور را با مصرف نامناسب این قرص‌ها مرتبط دانسته‌اند. به نوشته آنان منصور رادپور در سال ۱۳۸۹ در بند ۳ بدون مشکل و بسیار سرحال بود. سرآشپزی‌ماهر برای بند سیاسی و کشتی‌گیری ورزیده بود. و همه این

بینی شده اعلام کرده‌اند که بارها توسط زندانیان بند سیاسی احتمال وقوع آن به مدیران زندان، دادستان تهران، و مسئولان امنیتی داده شده بود. به نوشته این چهار زندانی، یک‌سال و نیم پیش حدود شصت نفر زندانی، مرکب از همه زندانیان سیاسی و چند زندانی عادی، به بند ۱۲ یا راهروی ۴۰ متری منتقل شدند که در دو طرف آن ۳۲ سول ۲ در ۳ بدون در وجود دارد. در همین حال تلفن‌های این زندانیان نیز قطع شد. به نوشته نویسندگان این نامه، در گذشته ارتباط‌های تلفنی روزانه با اعضای خانواده می‌توانست به تخلیه فشارهای درونی و عصبی زندانیان سیاسی کمک کند. اما در حالی که این امکان برای زندانیان

زندانی که آن را باستیل ایران خوانده‌اند، بین ۱۰ تا ۱۵ نفر در ماه بود بنا بر این گزارش‌ها در این زندان که نوعی تبعیدگاه برای زندانیان سیاسی به شمار می‌رود، فشارهای روانی و جسمی بر زندانیان در این زندان یکی از مصادیق آشکار تخلف از قوانین زندان‌ها و نقض حقوق زندانیان است که در مورد زندانیان سیاسی حتی پیش از زندانیان عادی است.

چهار زندانی سیاسی محبوس در زندان گوهردشت در رجایی شهر کرج، در نامه‌ای خطاب به دادستان کل کشور درباره فشارهای روانی بر زندانیان سیاسی در این زندان هشدار داده و خواستار رسیدگی به وضع این زندان شده‌اند. مسعود باستانی، رسول بدافی، کیوان صمیمی و حشمت‌الله طبرزدی، زندانیان سیاسی در رجایی شهر کرج، در این نامه بویژه از تشدید

اندک، ماهی سرگرمی و گذراندن وقت آنهاست، زندانیان سیاسی از این موقعیت نیز محرومند و در حالی که در ماه‌های اخیر حتی از دسترسی به روزنامه و کتاب نیز محروم شده‌اند، محکوم به پوسیدن و مرگی تدریجی و خاموش در این زندان تبعیدوار هستند.

و فور قرص‌های آرام‌بخش را در اختیار آنان قرار می‌دهد. در این بند ۱۲ نفر به شیشه معتاد شده‌اند. به نوشته کلمه در حالی که زندانیان عادی می‌توانند روزی ۵ تا ۶ ساعت در کارگاه‌های زندان کار کنند که ضمن دریافت درآمدی

این در حالی است که به نوشته کلمه در بند ۱۲، از ۵۵ زندانی سیاسی ۲۵ نفر اصلاً ملاقات ندارند که بی‌ملاقاتی نامیده می‌شوند. این زندانیان مدت هاست از دریافت روزنامه و کتاب نیز محروم شده‌اند اما مواد مخدر آزادانه در زندان وجود دارد و پزشک زندان نیز به

### مرگ‌های خاموش

استخوانی و مفاصل یا آنچه به بیماری‌های زندان معروف است، می‌شود، و نداشتن هیچ گونه وسیله سرگرمی و کار برای زندانیان سیاسی، عامل بروز بخران در وضعیت روانی این زندانیان است.

<p>فشارهای طاقت فرسا و مداوم روانی بر زندانیان در کنار شکنجه و زندان های انفرادی علاوه بر مرگ های ناگهانی یا تدریجی، برخی از زندانیان را چنان مستاصل می کند که یا به اعتصاب غذا روی می آورند و یا در نهایت دست به خودکشی می زنند. در ماه گذشته دست کم دوزندانی جوان در سلول های انفرادی بند ۵ زندان گوهر دشت کرج دست به خودکشی زدند.</p>	<p>منصور رادپور در سال ۱۳۸۶ دستگیر و پس از مدت ها بازجویی همراه باشکنتجه در بند های اطلاعات و سپاه در گوهر دشت سرانجام به بند امنیتی این زندان منتقل شده بود. او در دو حکم جداگانه و با اتهاماتی چون اقدام علیه امنیت ملی ، و همکاری با سازمان مجاهدین خلق هشت سال زندان محکوم شده بود حکم زندان او در آغاز سه سال زندان بود و پس از آن که با تلفن خبری رابه بیرون از زندان ارسال کرد، به تحمل پنج سال دیگر نیز محکوم شد. او علاوه بر دو فرزند خود مسئولیت زندگی دو فرزند یکی از اعدام شدگان را نیز بر عهده گرفته بود.</p>	<p>منصور رادپور قربانی اخیر این وضعیت بود. به نوشته سایت کلمه منصور رادپور به علت شکنجه های فیزیکی طولانی به ناراحتی های مختلف جسمی چون بیماری ریوی، خونریزی معده، نوسان فشارخون، نارسایی کلیه و ناراحتی شدید قلبی دچار شده بود اما مسئولان زندان از رسیدگی به وضع او خودداری کرده بودند و پزشک زندان برای همه این ناراحتی ها روزی ۱۰ تا ۲۰ قرص آرام بخش برای او تجویز کرده بود که احتمالا مصرف آنها به سکنه مغزی او منجر شد. به شهادت هم بندان، صورت و گردن و پاهای این زندانی سیاسی به هنگام مرگ بکلی سیاه شده بود.</p>
--	--	---